Elderly Victims; Disabilities and Protections

Beigi J[1]

Abstract

Introduction and purpose: Population aging in Iran is on a steep pace, however, there is still insufficient planning and focus in this area and the regulation of elderly affairs is not adequately supported. An analysis of the current situation and the future outlook suggests that there are disabilities in the present, and that the complexity and challenges of the future will be compounded and expanded in the not too distant future. Therefore, attention to these disabilities and support for the elderly, although late, is inevitable.The aim of this paper is to explain the elderly victimization as a disability category and to identify the disability and its protection needs in Iran.

Methods & Materials: In this qualitative study, document analysis method was used. Referring to the position of the elderly in Islamic and ethical doctrines as well as Iranian regulations, the need to address the elderly victimization and the gaps and challenges of supporting this disadvantaged class have been analyzed and discussed.

Findings: Identifying and arresting violators of elderly rights and paying attention to their inability to conduct preliminary investigations and other proceedings and generally protecting the legal rights of this category of disabled victims is manifested as criminal protections. However, respecting human dignity, paying attention to the concerns and concerns of the elderly, and expressing empathy and sympathy for them in times of distress are among the essential transcendental support that is facing serious vacuum and challenge in Iran.

Conclusion: With the enactment of the Criminal Procedure Code of 2013 and inspired by the approach of restorative justice, although Iranian legislators have considered the victim rights. However, regarding the comprehensive support for disadvantaged victims, especially the elderly, in terms of psychological and medical interventions and other forms of transnational support, there are many legislative, judicial and administrative challenges and gaps.

***Keywords**: Elderly, Disabled Victim, Criminal Support, Transcendental Support*

Received: 2018/11/09 *Accepted: 2018/12/11*

Copyright © 2018 Quarterly Journal of Geriatric Nursing.This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution international 4.0 International License(http://creativecommons.org/licenses/by /4.0/) which permits copy and redistribute the material, in any medium or format, provided the original work is properly cited.

1 - Associate Professor of Criminal Law & Criminology, Islamic Azad University, Maragheh Branch, Iran
(**Corresponding Author):E-mail:** jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

سالمندان بزه دیده؛ ناتوانی‌ها و حمایت‌ها

جمال بیگی[1]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/ ۸/۱۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/ ۹/۲۰

چکیده

مقدمه و هدف: سالمندی جمعیت در ایران با شیب تندی در حال وقوع است، لیکن هنوز برنامه‌ریزی و تمرکز کافی در این زمینه صورت نگرفته و ساماندهی امور سالمندان از پشتوانه قانونی کافی برخوردار نیست. تحلیل وضعیت فعلی و دورنمای آینده حاکی از وجود ناتوانی‌ها در حال حاضر و پیچیده‌تر شدن و گسترش یافتن چالش‌ها و مشکلات در آینده نه‌چندان دور است. لذا توجه جدی به این ناتوانی‌ها و حمایت از سالمندان، گرچه دیرهنگام بوده، ولی امری اجتناب‌ناپذیر است.

اهداف: هدف این مقاله، تبیین بزه دیدگی سالمندان به‌عنوان قشری ناتوان در قبال بزه دیدگی و شناسایی ناتوانایی‌ها و ضرورت‌های حمایت از آن‌ها در ایران است.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق کیفی از روش تحلیل سند استفاده‌شده است. با اشاره به جایگاه سالمندان در آموزه‌های اسلامی و اخلاقی و هم‌چنین مقررات ایران، بایدونبایدهای فراروی بزه دیدگی سالمندان و خلأها و چالش‌های حمایت از این قشر ناتوان مورد تحلیل و بحث قرارگرفته است.

یافته‌ها: شناسایی و دستگیری ناقضان حقوق سالمندان و توجه به ناتوانی آن‌ها در فرایند تحقیقات مقدماتی و سایر مراحل دادرسی و به‌طورکلی حمایت از حقوق قانونی این قشر از بزه دیدگان ناتوان، به‌صورت حمایت‌های کیفری تجلی پیدا می‌کند. لیکن رعایت کرامت انسانی، توجه به نگرانی‌ها و آلام سالمندان و ابراز همدردی و همدلی با آن‌ها در مواقع بزه دیدگی ازجمله حمایت‌های فراکیفری بایسته‌ای است که در ایران با خلا و چالش جدی مواجه است.

نتیجه‌گیری: با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و الهام از رویکرد عدالت ترمیمی، هرچند قانون‌گذار ایران حقوق بزه دیده را مدنظر قرار داده است. لیکن در خصوص حمایت همه‌جانبه از بزه دیدگان ناتوان به‌خصوص سالمندان، از حیث مداخلات روان‌شناختی و پزشکی و سایر گونه‌های حمایتی فراکیفری، چالش‌ها و خلأهای تقنینی، قضایی و اجرایی زیادی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سالمند، بزه دیده ناتوان، حمایت کیفری، حمایت فراکیفری.

۱-دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
(**نویسنده مسؤول**). **پست الکترونیکی:** jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

مقدمه

اندیشه حمایت از بزه دیدگان ویا اعطای نقش بیش‌تر به آنان در فرایند کیفری، ریشه در تغییر الگوی نگرش نسبت به جرم دارد که از درون چنین تغییر نگرشی اندیشه عدالت ترمیمی (Restorative Justice) در مقابل اندیشه سنتی عدالت کیفری (Criminal Justice) رخ نموده است. به‌موجب الگوی عدالت ترمیمی، بزه اساساً تعدی تجاوز به فردی دیگر و روابط میان فردی است وبه عنوان نقض حقوق یک شخص توسط شخص دیگر و اختلاف میان آن‌ها تعریف می‌شود و تمرکز بر روی حل‌وفصل اختلاف، مسئولیت‌ها و تعهدات طرفین بزه است و لذا این رویکرد آینده مدار هست. درحالی‌که در الگوی قدیم یعنی عدالت سزادهنده، جرم به‌عنوان نقض قوانین دولت تعریف می‌شود وتمرکز بر روی سرزنش و تقصیر اخلاقی بزهکار بوده و لذا این رویکرد گذشته مدار است. این تغییر رویکرد عدالت ترمیمی در نگرش به جرم را بسیاری بازگشت به نگرش باستانی نسبت به پیامدهای جرم و اولویت بخشیدن به جنبه خصوصی جرم در برابر جنبه عمومی آن تلقی می‌کنند (۱). طرح اندیشه‌های امیل دورکیم (Emile Durkheim) مبنی بر بهنجار و طبیعی بودن وجود جرم در جامعه و نظریه‌های پس‌ازآن، رفته‌رفته گروهی از جرم شناسان را بر آن داشت که در کنار پرداختن به مرتکب اصلی جرم یعنی بزهکار، بخشی از تحقیقات خودرا متوجه معلول این پدیده یعنی بزه دیده نمایند. بدین‌سان بزه دیده شناسی (Victimology) نیز که در رویکرد اولیه آن بیش‌تر به دنبال کشف دلایل جرم از سوی بزه دیدگان بود، به‌سوی هدف حمایت از بزه دیده و شناسایی نیازهای وی تغییر جهت داد ورفته رفته دریافت که بسیاری از قربانیان جرائم، به‌ویژه بزه دیدگان جرائم خشونت‌آمیز هم چون تجاوز به عنف، بزه دیدگان خاص هم چون زنان، کودکان، اقلیت‌های بزه دیده و سالمندان، پس از روبه‌رو شدن با رفتار و پاسخ‌گویی نامناسب پلیس، ضابطان و مقام‌های قضایی، دچار رنج و آسیب‌دیدگی دوباره می‌شوند تا حدی که بزه دیده شناسان از آن به بزه دیدگی ثانوی (SecondaryVictimization) تعبیر می‌کنند (۲).

سالمندی، دوران مهمی از زندگی است که با سیر طبیعی تغییرات فیزیولوژیکی و روانی و متعاقب آن با تنهایی، بیماری، ناتوانی، ازکارافتادگی و بزه دیدگی همراه است. سفید شدن مو و چین‌وچروک پوست، ریزش مو، کاهش قدرت دید، نقصان شنوایی، خمیدگی، کندی در تحرک، کاهش قدرت عضلانی، اختلال و آشفتگی در حافظه و ادراک، اختلال در جهت‌یابی، کاهش ظرفیت و کارآیی ریه‌ها و سیستم قلبی و عروقی ازجمله مهم‌ترین تغییراتی هستند که در ساختمان و عمل اعضاء مختلف بدن سالمندان به وجود می‌آیند (۳). حس رهاشدگی، بهت‌زدگی، انفکاک شغلی، جدایی تعاملاتی، وابستگی اقتصادی، حس کنترل زدایی و احساس نزدیکی مرگ هم ازجمله چالش‌هایی هستند که سالمندان در این دوره با آن مواجه هستند (۴). لذا با شناخت حقوق سالمندان و حمایت از آن‌ها بایستی ضعف و ناتوانی سالمندان را به کم‌ترین حد رساند. سالمند بزه دیده از لحظه وقوع جرم تا رسیدگی نهائی به آن به شکل‌های مختلفی در تعامل با پلیس است. اقدام‌های صحیح، سریع و دقیق پلیس در رعایت حقوق و خواسته‌ها، منجر به کاهش آسیب‌های سالمندان بزه دیده‌شده و متقابلاً عملکرد نادرست پلیس می‌تواند به تشدید آسیب‌های این قشر از بزه دیدگان ناتوان منجر شود (5). لذا پلیس یا ضابطان قضایی به‌عنوان نخستین مرجع دولتی که سالمندان بزه دیده همانند سایر بزه دیدگان با آن مواجه می‌شوند، نقش مهمی در کاستن از آسیب‌های مادی و معنوی آن‌ها دارد. این حمایت می‌تواند به‌صورت توجه به حقوق و کرامت انسانی سالمندان بزه دیده، توجه به نگرانی‌ها و آلام و نیز ابراز همدردی و همدلی با آن‌ها تجلی پیدا کند (۶). راتوس (Ratus) معتقداست که حمایت اجتماعی اثرهای نامطلوب فشار روانی را از طریق توجه عاطفی؛ یاری‌رساندن؛ ارائه اطلاعات؛ ارزیابی و جامعه‌پذیری تعدیل و تضعیف می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی نقش واسطه‌ای بر فرایند فشار روانی دارد. افرادی که حمایت اجتماعی بیش‌تری دریافت می‌کنند از آثار بیماری ناشی از داغ‌دیدگی، کم‌تر رنج می‌برند. توتیس (Tottis) معتقد است وقتی‌که حمایت اجتماعی از طرف افرادی که دارای ارزش‌ها و ویژگی‌های مشترک با فرد هستند یا دارای استرس‌های مشابه با فرد هستند، دریافت شود مؤثرتر است (۷).

پیشینه

در نخستین کنفرانس ملی قربانیان بزه (تورنتو، ۱۹۸۵) جنبش بزه دیده صنعت توسعه‌یافته دهه نامیده شد. در بریتانیا این جنبش به‌عنوان خودجوش که سریع‌ترین رشد و توسعه را داشته،

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

توصیف شد. گروه‌ها و جمعیت‌های بزه دیده به‌سرعت در سرتاسر آمریکای شمالی و اروپا درحال شکل‌گیری بود. این رشد به‌طور حتم تاثیر قابل‌توجهی در بزه دیده شناسی داشته است. نشست‌های بزه دیده شناسی تغییر شکل بزه دیده شناسی را از یک نظام آکادمیک به یک جنبش انسانی و از «تحقیق علمی» (Scientific research) به «عمل‌گرایی سیاسی» (Political Pragmatism) منعکس کرد (۸). جرم شناسان با توجه به نقش بزه دیده در شکل‌گیری جرم و نیز لزوم حمایت از او، بزه دیده را دوباره به قلمرو علوم جنایی وارد کرده‌اند. توجه به حقوق بزه دیده و حمایت از او در نظریه‌های جرم شناختی، می‌تواند زمینه لازم را فراهم کند تا ضابطان قضایی نیز به‌عنوان یکی از نهادهای عدالت کیفری، تدابیر بهتر و بیش‌تری برای مشارکت دادن بزه دیده در فرایند کشف جرم و حمایت از او اتخاذ کنند (۹). در تبیین عدالت کیفری، رویکرد حمایت محور از بزه دیده جستجو می‌شود. بزه دیده شناسی حمایتی (Protective Victimology) بر این اندیشه استوار است که نظام عدالت کیفری باید حقوق ازدست‌رفته وی را از طریق حمایت‌های مالی، عاطفی و حقوقی تأمین نماید. براین مبنا یکی از دغدغه‌های مهم کنشگران عدالت کیفری را می‌بایست در چگونگی رضایت بزه دیده تبیین نمود. از رهگذر حمایت از بزه دیده سیاست‌گذاران حاکم بر جامعه در جهت کسب منافع سیاسی با تأکید هرچه بیش‌تر بر حقوق بز ه دیدگان و شهروندان غیر بزهکار سعی در جلب افکار عمومی و ایجاد نوعی سیاست کیفری عوام گرایانه (Criminal populist policies) دارند. ازاین‌جهت برجسته نمودن آسیب‌های ناشی از بزه دیدگی می‌تواند در اتخاذ سیاست‌های سخت گیرانه و رسوب آن در قوانین شکلی و ماهوی با تحت تاثیر قرار دادن افراد جامعه و ایجاد فاصله بین بزهکار و غیر بزهکار به اهداف موقت مبارزه بابی کیفری وتحقق شعار بیداری دولتمردان و مبارزه با مجرمان دست یابند (۱۰).

موضوع سالمندان بزه دیده تا قبل از دهه ۱۹۸۰ میلادی جایگاه شایسته‌ای در مطالعات بزه دیده شناسان نداشت. کودک‌آزاری و همسر آزاری در میان گونه‌های خاص بزه دیدگی، بیش از هر موضوع دیگری در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی کانون توجه بود. با آغاز دهه ۱۹۸۰ شماری از متخصصان و دانشمندان به‌ویژه جامعه شناسان، روان شناسان، روان‌پزشکان و جرم شناسان، به مطالعه پدیده سالمند آزاری (Elder Abuse) و علل بزه دیدگی سالمندان و راه‌های پیشگیری از آن پرداختند. به دنبال این تلاش‌ها، برخی از نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه شورای اروپا و سازمان ملل متحد، با برگزاری چند کنفرانس وصدور توصیه‌نامه‌هایی به این موضوع پرداختند (11).

بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل نسبت جمعیت سالمند از ۱۰.۵ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۲۱.۸ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید (نگاره ۱). جمعیت سالمندان ایران از ۳.۹ درصد در سال ۱۳۳۵ با افزایش نزدیک به دو برابر به ۷.۹ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. هم‌چنین تعداد مطلق جمعیت سالمندان طی نیم‌قرن اخیر نزدیک به هفت برابر افزایش‌یافته است. برابر آخرین سرشماری از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۵، رده سنی بالای ۶۵ سال از ۳.۱ به ۶.۱ درصد در سال ۱۳۹۵رسیده و این میزان نشان از افزایش جمعیت سالمندی در ایران است. به گزارش سازمان ملل متحد تعداد سالمندان ایرانی در سال ۲۰۵۰ به ۲۶ میلیون و ۳۹۳ هزار نفر یعنی ۲۶ درصد کل جمعیت خواهد رسید (نگاره ۲). شواهد نشان می‌دهد که نسبت جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر ایران از سال ۱۳۴۹ تا ۱۴۱۹ کم‌تر از جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر آسیا، گروه کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته باشد (۷). بر اساس مستندات سازمان بهداشت جهانی افراد ۶۰ و بالاتر به‌عنوان افراد سالمند شناخته می‌شوند وبر اساس این تقسیم‌بندی سالمندان به سه گروه ۶۰ تا ۶۹ سال «سالمند» (Elder) ، ۷۰ تا ۷۹ سال «سالمند سالخورده» (Elderly) و ۸۰ سال و بالاتر «سالمند سالخورده‌تر» (Elderly Older) تقسیم می‌شوند (12). تعداد زیادی از جرائم علیه سالمندان به مراجع کیفری گزارش نمی‌شوند و لذا بزه دیدگان سالمند، بخش عمده‌ای از رقم سیاه بزهکاری را تشکیل می‌دهند و کشف تعداد کمی از موارد خشونت یا آزار سالمندان و مجازات درصد ناچیزی از بزهکاران نوعی عدالت اتفاقی است که مطلوب انسان‌های عدالت‌خواه نیست. هم‌چنین مواردی مانند ناشناخته بودن احساسات و وضعیت زندگی بسیاری از سالمندان، بی‌تفاوتی، برخوردهای غیرانسانی، انواع خشونت‌ها، آزارها جرائم نسبت به آن‌ها و فقدان سیاست جنایی افتراقی نسبت به سالمندان و کاستی‌های قوانین در کنار افزایش جمعیت سالمند در ایران، ضرورت و اهمیت توجه و درنهایت حمایت این قشر ناتوان را از طریق مکانیسم قانونی و نظام

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

حمایت اجتماعی آشکار می‌سازند (۱۳). با توجه به این ضرورت، این نوشتار می‌کوشد با اشاره به مفهوم سالمند بزه دیده و جایگاه آن در بین سایر بزه دیدگان خاص، بزه دیدگی سالمندان را در ایران با تکیه‌بر ناتوانی مکانیسم‌های دولتی و نظام کنترل اجتماعی از بزه دیدگان سالمند شناسایی و درنهایت حمایت‌های کیفری و فراکیفری بایسته‌ای را با تکیه‌بر ناتوانی‌ها و خلأهای موجود در این خصوص ارائه نماید.

روش مطالعه

تحقیق حاضر ازنظر هدف، کاربردی بوده و از روش تحلیل سند استفاده‌شده است. با تبیین مفهوم سالمند و جایگاه سالمندان بزه دیده از منظر اصول اسلامی- اخلاقی و مقررات ایران، بایدونبایدهای اخلاقی و قانونی در حمایت از سالمندان بزه دیده مورد تحلیل و بحث قرارگرفته است. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها هم عمدتاً متکی به اصول اسلامی و اخلاقی، مقررات داخلی و ادراک و تحلیل عقلانی بوده و لذا اطلاعات به‌وسیله ابزارهای سنجش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری‌شده است.

یافته‌ها

بزه دیده (Victim) به شخصی اطلاق می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم آسیب و زیان و آزار می‌بیند (11). بزه دیده در قوانین کیفری ایران، با واژه مجنی علیه ویا شاکی موردتوجه قانون‌گذار قرارمی گیرد. واژه بزه دیده که از آفرینش‌های کمسیون بررسی اصطلاحات مربوط به وزارت دادگستری و فرهنگستان ایران درسال۱۳۱۷ بود، به‌جای مجنی علیه، استعمال و رایج شده و مقنن ایرانی نیز آن را در قوانین مختلف ازجمله ماده ۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب۱۳۹۲ به‌کاربرده است. پدر علم بزه دیده شناسی، هانس فن هنتیگ (Hans von Henning)، بزه دیده را چنین تعریف نموده است: بزه دیده جرم مانند شاکی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هنتیگ بزه دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح ساخت که ناظر بر مجنی‌علیه است اما عزت عبدالفتاح «جرم‌شناس کانادایی» بزه دیدگی را نوعی رویاروی می‌داند که در آن‌یک طرف برطرف دیگر غلبه و لطمه وارد می‌کند (۱۴). بر اساس علمی‌ترین تعریف از بزه دیده که توسط بنیامین مندلسون (Benjamin Mendelssohn) در سال ۱۹۶۷ مطرح‌شده، بزه دیده شخصی است که به خاطر وضعیت فردی و وابستگی در یک گروه، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت باری می‌شود و عواملی باریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی دارد. از دیدگاه وی «پیشگیری» (Prevention) امر بسیار مهمی است و برآورد نیازهای جامعه برای حداقل کردن قربانیان در جلوگیری از تکرار و بزه دیدگی، تقلیل بزه دیده واقع‌شدن نقش اساسی را ایفاء می‌کند (۱۵). این واژه نه‌تنها خود بزه دیده «بزه دیده مستقیم» (Direct) Victim، بلکه خانواده بی‌واسطه «درجه‌یک» یا بستگان بزه دیده مستقیم و شخصی را که در جریان کمک به بزه دیدگان مصیبت‌دیده یا در جریان پیش‌گیری از بزه دیدگی به آسیب دچار می‌شود «بزه دیدگان نا مستقیم» (Indirect Victims) را هم دربر می‌گیرد. ازاین‌رو همه بزه دیدگان اعم از مستقیم و غیرمستقیم به جهت این‌که از جرم متضرر شده یا در اثر یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت شخصی آن‌ها واردشده است. مثلاً تمامیت جسمانی آن‌ها خدشه‌دار شده، تمامیت معنوی و تعادل روانی آن‌ها دچار اختلال شده است، اموالشان را ازدست‌داده یا آسیب اساسی به حقوق آن‌ها واردشده است. به همین دلیل به لحاظ تجربه بزه دیدگی، نیاز به انواع حمایت، به‌خصوص حمایت‌های فرا کیفری دارند.

سالمندی کاهش قوای روانی و جسمی است که در اثر گذشت زمان روی می‌دهد و در کشورهای مختلف با توجه به شرایط فرهنگی و سطح زندگی افراد متفاوت هست. در ایران سن سالمندی تعریف‌نشده است ولی اگر شروع دوره سالمندی را زمان بازنشستگی کامل از خدمت محسوب کنیم. طبق قانون تأمین اجتماعی سن سالمندی برای مردان ۶۰ سالگی و برای زنان ۵۵ سالگی هست و طبق قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ سن بازنشستگی برای مردان وزنان ۶۵ سالگی هست. از ویژگی‌های این دوران می‌توان به کاهش قوای جسمی، بازنشستگی و دور شدن از موقعیت‌های شغلی، تنهایی، شیوع بیماری‌ها، عدم تعادل روحی و روانی، عدم مراقبت

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

محیطی، سوءتغذیه و... را نام برد. سالمندی جمعیت در ایران با شیب تندی در حال وقوع است لیکن هنوز برنامه‌ریزی و تمرکز کافی در این زمینه صورت نگرفته و ساماندهی امور سالمندان از پشتوانه قانونی کافی برخوردار نیست. تحلیل وضعیت فعلی و دورنمای آینده حاکی از وجود چالش‌ها و مشکلات فراوان در حال حاضر و پیچیده‌تر شدن و گسترش یافتن چالش‌ها و مشکلات در آینده نه‌چندان دور است. به‌طوری‌که نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در ایران ۸۷ درصد سالمندان حداقل یک‌بار آزار را تجربه کرده‌اند (۱۶) با توجه به این‌که سالمند آزاری، کاهش اعتمادبه‌نفس، احساس ناامیدی، بی‌تفاوتی، مشکلات روحی، روانی و ناتوانی را برای سالمند در پی دارد (۱۷)، توجه جدی به ساماندهی، حمایت از سالمندان، گرچه دیرهنگام است ولی امری اجتناب‌ناپذیر است. سازمان بهداشت جهانی، سالمند آزاری را نقض حقوق انسانی می‌داند که به شکل غفلت، سلب اختیار، استثمار مالی، آزارهای جسمی، روانی و جنسی خود را نشان می‌دهد (۱۸). بدین‌سان سالمندانی که از رهگذر فعل یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری ازجمله قوانینی که سوءاستفاده از قدرت را ممنوع کرده‌اند، به شکل فردی یا گروهی متحمل آسیب جسمی یا روانی، درد ورنج عاطفی، ضرر وزیان اقتصادی یا آسیب اساسی نسبت به حقوق بنیادی خود می‌شوند (۱۳)، به‌عنوان سالمندان بزه دیده (Elderly Victims)، استحقاق بهره‌مندی از انواع حمایت‌های کیفری و فراکیفری رادارند. تردیدی نیست که بزه دیدگان در جریان انداختن فرآیند عدالت جنایی نقش مهمی ایفاء می‌کنند و اجرای عدالت تنها درگرو به کیفر رساندن بزهکار بر پایه‌یک دادرسی عادلانه نیست، بلکه نیازمند به رسمیت شناختن بزه دیده و حقوقی برای او در چارچوب یک رفتار منصفانه است (۱۱). کودک و سالمند بیش از سایرین در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند. کودک به خاطر تلاش مستمر برای جستجو و کسب لذت‌ها و هیجانات قوی وبه خاطر وابستگی به خانواده در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارد و سالمند به دلیل ضعف فیزیکی و به‌ویژه اختلال مشاعر آسیب‌پذیر است (۱۳). هرچند سالمند آزاری مفهومی عام‌تر از بزه دیدگی سالمندان دارد (۱۹). بااین‌وجود دو درصد از خشونت‌های خانگی جامعه ایرانی را سوء رفتار با سالمند به خود اختصاص داده است و متأسفانه سالمند آزاری رتبه سوم از خشونت‌های خانگی به شمار می‌آید (۲۰). بر اساس یافته‌های پژوهشی در ایران، شایع‌ترین نوع سالمند آزاری به ترتیب سالمند آزاری عاطفی (۷/۳۰ درصد)، سالمند آزاری روانی (۴/۲۵ درصد)، غفلت از سالمندان (۱/۲۵ درصد)، سالمند آزاری مالی (۷/۱۹ درصد)، سالمند آزاری جسمی (۱/۱۳ درصد) و طردشدگی (۷/۱۱ درصد) است (۲۱). امروزه شواهد بسیاری وجود دارد که از آسیب‌پذیری سالمندان در مقابل بدرفتاری‌ها حکایت دارد. بخشی از جمعیت سالمندان به ناتوانی‌های روانی شدید یا خفیفی مبتلا هستند. سالمندانی را می‌توان تصور کرد که از حق خودمختاری محروم شده‌اند، درحالی‌که اهلیت دارند این حق را اعمال کنند یا ممکن است در وضعیت‌هایی مانند مراکز مراقبتی که در آن‌ها بسیار آسیب‌پذیر هستند، بدون حمایت باقی بمانند. برخی از سالمندان بزه دیده، از اقدام قانونی علیه مرتکب خودداری می‌کنند، زیرا از انتقام احتمالی می‌ترسند. در بسیاری از موارد مرتکبان سالمند آزاری خود به‌نوعی قربانی وضعیتی هستند که این وضعیت فشار قابل‌توجهی را بر آن‌ها که اغلب از سالمند مراقبت می‌کند وارد می‌کند (2). از دیدگاه بزه دیده شناسی، این باور وجوداردکه سالمندان، به‌ویژه در مورد خشونت‌هایی که تجربه می‌کنند، نقش و حتی تقصیری ندارند. بزه دیدگی سالمندان بیش‌تر به جرائمی مانند ضرب‌وجرح یا آزارهای عاطفی و روانی از قبیل تهدید، تحقیر، طرد و آزارهای جنسی مربوط است. البته میزان بزه دیدگی سالمندان در جرائم مالی، مانند کلاهبرداری وخیانت در امانت نیز بالاست. ازآنجاکه سالمندان ممکن است به دنبال گردآوری پس‌اندازهای بیش‌تر برای زندگی‌شان باشند، نسبت به این جرائم آسیب‌پذیر هستند. به دیگر سخن، سالمندان از یک‌سو چون ممکن است حساب‌های پس‌انداز درخور توجهی داشته باشند واز سوی دیگر، ازآنجاکه ترس از پاره‌ای پدیده‌های اقتصادی مانند تورم که توان خرید آنان را کم می‌کند، بیش‌تر در آستانه ناامنی و بزه دیدگی قرار دارند.

هوارد زهر (Howard Zeher) بر این باور است که در نظام عدالت کیفری سنتی، نیازهای بزه دیدگان مورد مسامحه و غفلت واقع‌شده است که دلیل آن در تعریف قانونی از جرم هست که در آن بزه دیده جایگاهی ندارد. به اعتقاد زهر، اطلاعات (Information)، بیان حقیقت (Expressing Truth)، بازتوانی (Rehabilitation) و جبران یا استیفای حقوق (Compensation of Rights) ازجمله نیازهای بزه

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

دیدگان هستند که در فرایند عدالت کیفری سنتی مورد بی‌توجهی واقع‌شده‌اند (۲۳). بر این اساس، بزه دیدگان سالمند هم مستحقق تقویت، پشتیبانی و هواداری در قالب حمایت‌های ذیل هستند: حمایت کیفری که از رهگذر جرم انگاری و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری مناسب صورت می‌گیرد. حمایت مالی که از راه‌هایی مانند برگرداندن مال، پرداخت پول یا هزینه‌هایی که سالمند بزه دیده به دنبال وقوع جرم متحمل آن می‌شود، صورت می‌پذیرد. حمایت پزشکی که برای جبران آسیب‌های بدنی و روانی سالمند بزه دیده است. حمایت عاطفی و حیثیتی به‌عنوان کمک‌های روان‌شناسانه‌ای که برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی سالمندان بزه دیده انجام می‌شود. حمایت حقوقی که برای احقاق حق سالمند بزه دیده و دسترسی وی به عدالت و جبران آسیب‌ها و زیان‌های اوست. درنهایت حمایت اجتماعی که حکومت و دولت با همه نیروهای خود به همراه جامعه مدنی در چارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی درراه حمایت از سالمندان بزه دیده انجام می‌دهند (5).

بحث و نتیجه گیری

حمایت ازبزه دیدگان از طریق فنون حقوقی مختلف که همگی مشمول نظام کیفری نمی‌شوند، ابراز می‌شود. زیرا هدف، ابتدا امدادرسانی به بزه دیدگان و پیشگیری از بزه دیدگی است. امری که خود در وهله اول مستلزم مجموعه‌ای از اقدام‌های ملموس است و با انجمن‌های مردمی فعال در زمینه پیشگیری عمومی و امدادرسانی به بزه دیدگان ارتباط پیدا می‌کند. معاضدت حقوقی که باهدف تسهیل جبران خسارت صورت می‌گیرد، در کنار کمک مادی و روانی، تنها یکی از اجزای مؤلفه‌های امدادرسانی است. اما نوآوری در زمینه جبران خسارت‌های بزه دیدگان، سازمان‌دهی امر جبران خسارت‌های قربانیان بزه توسط دولت است که در سطح وسیعی، مستقل از نظام کیفری و در چارچوب برداشت موسع از مفهوم‌ترمیم خسارت که شاخص متغیر مدنی است، قرارمی گیرد. جبران خسارت بزه دیده توسط خود بزهکار، ابتدا از طریق متغیر میانجی‌گری ترغیب می‌شود وتنها در صورت شکست متغیر میانجی‌گری است که به‌نظام کیفری رجوع خواهد شد. اهمیت حمایت به‌خصوص حمایت فراکیفری از سالمندان بزه دیده زمانی آشکار می‌شود که بدانیم بر اساس یافته‌های علم بزه دیده شناسی، بزه دیدگان اغلب معلول عوامل گوناگونی چون ضعف جسمی، عدم تعادل روحی و روانی، فقدان موقعیت اجتماعی و عدم مراقبت‌های محیطی هست. بنابراین احتمال بزه دیدگی برخی از افراد به لحاظ ویژگی‌های خاصی که دارند بیش از سایرین است (۲۴). لذا با امعان نظر بر برقراری تعامل بین رهیافت‌های سالمند شناسی و آموزه‌های بزه دیده شناسی، بایستی اهمیت تخصصی کردن نگرش به سازوکارهای حمایتی و مساعدتی برای سالمندان بزه دیده را تبیین نمود (۲۵). بااین‌وجود حمایت از سالمندان بزه دیده در حقوق ایران، متأسفانه اغلب در قالب قواعد و مقررات عمومی و مشترک با دیگر بزه دیدگان جلوه‌گر می‌نماید (۲۶).

مفهوم و گونه‌های حمایتی

بر اساس توصیه‌نامه شماره R۸۵-۱۱ کمیته وزراء شورای اروپا (۱۹۸۵) ونیز کنوانسیون اروپایی جبران خسارت قربانیان جرائم جنسی، باید تلاش شود تا ازاین‌پس موقعیت بزه دیده در چارچوب حقوق کیفری و آئین دادرسی کیفری بهبود یابد. موضع حقوق کیفری فرانسه نسبت به بزه دیدگان به‌ویژه بزه دیدگان خاص و آسیب‌پذیر نظیر سالمندان بزه دیده بسیار مساعد است. به‌موجب قانون ۸ ژوئیه ۱۹۸۶، به آن‌ها امکان می‌دهد تا به‌عنوان مدعی خصوصی شکایت خود را در دادگاه کیفری اقامه کنند. بزه دیده، علاوه بر دارا بودن کلیه امتیازهای یک‌طرف دعوا، مانند مطالعه پرونده، ارائه دلایل و پژوهش و فرجام‌خواهی، امکان به جریان انداختن رسیدگی را نیز دارد. بزه دیده به‌عنوان مدعی خصوصی به‌محض رجوع به قاضی تحقیق یا دادگاه، قاضی را مجبور به اخذ تصمیم می‌نماید و این در شرایطی است که دادسرا ممکن است گزینه عدم تعقیب پرونده را انتخاب کرده باشد. اگرچه نظام‌های کامن لا و نظام حقوقی انگلستان، امکان آغاز تعقیب کیفری توسط بزه دیده را به‌طور رسمی از وی سلب نکرده‌اند، ولی بزه دیده را در عمل از محاکمه کیفری کنار گذاشته‌اند. حتی می‌توان گفت که تعقیب کیفری تا سال‌های اخیر هرگز با اقدام بزه دیده آغاز نمی‌شده است. زیرا بزه دیده امکان تقاضای جبران خسارت را از قاضی کیفری نداشته و باید به‌اجبار آن را در دادگاه مدنی طرح می‌کرده است. به‌ویژه آیین‌نامه معامله اتهام، هرگونه مداخله و ورود وی را در جریان مصالحه بین دادستان و بزهکار منتفی می‌کند (۲۷).

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

سیاست جنائی تقنینی، قضائی واجرائی ایران در حمایت از سالمندان چندان چشمگیر نبوده است و حتی به نسبت دیگر حوزه‌ها کم‌رنگ‌تر هست. قانون‌گذار ایرانی در هیچ‌یک از متون قانونی واژه «سالمند آزاری» را به کار نبرده است. به‌عنوان‌مثال جا داشت در ماده ۶۳۳ وهم چنین ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در کنار کودک بزه دیده، از تعرض به سالمند نیز حمایت کیفری می‌کرد. زیرا بیماری، سالمندی، کودکی، ناتوانی و زن بودن شرایطی است که از دیدگاه جرم‌شناسی شخص را آسیب‌پذیر می‌کند. در اینجا هم حمایت‌ها تنها از سطح سیاست جنایی تقنینی و در چارچوب حمایت کیفری فراتر نمی‌رود. برای نمونه، از بند پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان نام برد که در آن «پیری» یکی از عواملی است که موجب می‌شود با رعایت شرایط این بند و تبصره ۲ این ماده، قتل ارتکابی به لحاظ وضعیت خاص بزه دیده، عمدی شناخته شود. هم‌چنین رها کردن شخصی که نمی‌تواند از خود نگهداری کند، در محلی که خالی از سکنه است، جرم خاصی شناخته‌شده است که یکی از مصادیق آن را می‌توان سالمندان دانست . ماده ۳-۲۲۳ قانون مجازات فرانسه نیز در این خصوص مقرر داشته است: ترک شخص در مکان معمول که در موقعیتی نیست که از خود به دلیل سن یا وضعیت جسمی یا روانی‌اش، محافظت نماید، مستوجب ۵ سال حبس جنحه ای و ۷۵۰۰۰ یورو جزای نقدی است. هرچند درسیاست ها و برنامه‌های پلیس ایران و حتی فرانسه، جایگاه و تدابیر خاصی برای سالمندان بزه دیده پیش‌بینی‌نشده و با آنان همانند سایر بزه دیدگان برخورد می‌شود. بااین‌حال، پلیس می‌تواند با اقدام‌های ذیل آسیب‌هایی را که از ناحیه جرم متوجه سالمندان می‌شود، کاهش داده وبه حمایت از آنان بپردازد (۲۸):

۱. پلیس به تماس‌های تلفنی سالمندان بزه دیده پاسخ فوری بدهد.
۲. برای دفاع از امنیت سالمندان بزه دیده، مأموران پلیس سریع‌تر درصحنه ارتکاب جرم حاضرشوند.
۳. پلیس در تعامل با سالمندان بزه دیده، به آنان امید و اطمینان بدهد که حافظ امنیت آن‌ها است. زیرا ترس از بزه دیدگی در میان سالمندان، به‌اندازه خود بزه دیدگی، آثار روانی منفی به دنبال دارد.
۴. مأموران پلیس، به دلیل سن بالاو روحیه زودرنجی در سالمندان، احترام بیش‌تری به آنان بگذارند.
۵. در مواقعی که سالمندان بزه دیده، مورد اذیت و آزارهای خانگی قرار می‌گیرند، پلیس نسبت به جداسازی آنان از خانواده و معرفی به مراکز بهزیستی و حمایتی اقدام کند.
۶. پلیس به سالمندان بزه دیده، برای تماس‌های فوری، شماره تلفن ویژه‌ای بدهد تا نسبت به پیشگیری از بزه دیدگی مکرر آنان اقدام به‌موقع صورت گیرد.
۷. انجام اقدام‌های پلیسی برای سالمندان بزه دیده، در حد امکان غیرحضوری باشد، به‌گونه‌ای که کم‌ترین مراجعه را به کلانتری و سایر واحدهای پلیسی داشته باشند.
۸. در صورت ضرورت حضور سالمند بزه دیده در کلانتری، رسیدگی به کار او، خارج از نوبت صورت گیرد.

حقوق انسانی و اخلاقی بخشی از حقوق ذاتی، یکسان وانتقال پذیر بزه دیده است که به شأن، منزلت و کرامت انسانی وی بازمی‌گردد و لزوماً جنبه حقوقی و کیفری ندارد. ویژگی این حقوق، اخلاقی بودن مفاهیم آن است و اخلاقی بودن مفاهیم این دسته از حقوق، به این معنی نیست که پشتوانه رعایت آن نیز می‌بایست تکیه‌بر قواعد اخلاقی در جامعه باشد، بلکه این حقوق می‌بایست جامه قانون پوشیده و موردحمایت قرار گیرند. در بسیاری از کشورها، مقررات تا حدود زیادی بزهکار محور بوده و عمدتاً به حقوق بزهکار اشاره‌کرده‌اند. مثل حق داشتن وکیل، رسیدگی به جرائم در دادگاه‌ها به‌صورت علنی و سایر حقوق دفاعی متهم. در کنار این حمایت‌های بایسته از متهمان و بزهکاران، نیازمند گونه‌های متعدد حمایت از بزه دیدگان جرائم هستیم که متأسفانه کم‌تر موردتوجه قرارگرفته است. لذا همان‌طوری که بزهکار حق دارد وکیل تسخیری داشته باشد، بزه دیده هم باید وکیل داشته تا باوجود آسیب‌های ناشی از جرم، مجبور نباشد شخصاً به دفاع از حقوق خویش بپردازد یا با هزینه شخصی خود اقدام به اخذ وکیل کند تا عدالت در مورد جرم ارتکابی علیه وی اجرا شود. بزه دیده کسی است که به‌رغم تحمل بزه، در چرخ‌دنده‌های عدالت کیفری افتاده و اگر نظام عدالت کیفری اجرا و عناصر آن، او را به رسمیت نشناسند و

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

حقوق او را مورد تائید قرار ندهند، بدون تردید مشمول بزه دیدگی مضاعف خواهد شد. در شناسایی نیازها و حقوق بزه دیده باید بین نیازها و حقوق مشترک همه بزه دیدگان و نیازها و حقوق بزه دیدگان خاص تفکیک قائل شویم. خاص بودن تحت تاثیر مؤلفه‌ها و عوامل مختلفی ازجمله سن و جنسیت بزه دیده، نوع جرم، زمان و مکان ارتکاب جرم است. برای مثال، در بحث نوع جرم، طبیعی است کسی که بزه دیده تجاوز به عنف است، نیازش باکسی که مالش را ازدست‌داده یکسان نیست. چنین شخصی بیش‌تر نیاز به حمایت عاطفی و روانی دارد، درحالی‌که مال‌باخته نیاز به جبران خسارت دارد (۵).

یکی از حقوق بنیادین سالمندان بزه دیده، احترام به آن‌هاست وبر پایه آن، رفتار همه‌کسانی که به‌گونه‌ای با سالمندان بزه دیده در ارتباط‌اند، باید با احترام به شأن آن‌ها همراه باشد. پاره‌ای از سالمندان بزه دیده، رفتار دست‌اندرکاران عدالت جنایی را با خود بسیار ناراحت‌کننده، اهانت‌بار، نامنصفانه و بی‌اعتنا به عواطف، حقوق، نیازها و منافعشان می‌دانند. تا آنجا که گاهی عملکرد این نظام را دومین بزه دیدگی خود انگاشته و آن را از جرم اصلی بسیار ناراحت‌کننده‌تر می‌شمارند. لازمه برخورداری سالمندان بزه دیده از رفتاری محترمانه و دلسوزانه، تغییر دیدگاه دست‌اندرکاران قضایی و تمام کسانی است که با آن‌ها در ارتباط‌اند. افسران پلیس و ضابطان قضایی یکی ازاین‌دست اندرکاران بوده که برای حساس شدن وتوجه به نیازهای سالمندان باید آموزش ببینند و رهنمودهایی برای تضمین کمک‌رسانی مناسب و فوری دریافت کنند. بخشی از دلیل نادیده گرفتن نیازهای انسانی سالمندان بزه دیده در نظام عدالت کیفری را می‌بایست در ساختارهای این نظام جستجو کرد. اصولاً چگونگی تعریف وظایف و چینش مسئولیت‌های دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به‌گونه‌ای است که همگی آنان تنها هدف کلی کشف جرم و مجازات مجرمان را دنبال می‌کنند و وظیفه دیگری در خصوص دلسوزی نسبت به سالمند بزه دیده بر عهده ندارند. در نظام عدالت کیفری ایران، میزان برخورداری سالمندان بزه دیده از رفتار محترمانه و دلسوزانه، از ضمانت اجراهای واقعی برخوردار نبوده و باوجود توصیه‌های کلی و یا بخشنامه‌ای نسبت به لزوم تکریم مراجعان، هرگز ازنظر چگونگی برخورد با مراجعان، تفکیکی میان بزه دیده و بزه‌کار صورت نپذیرفته و همین مسئله یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌توجهی به شأن و جایگاه آنان محسوب می‌شود. باید به این نکته توجه کرد که اگر بزهکاران حق برخورداری از دادرسی عادلانه و منصفانه رادارند، این مغایر آن نیست که گذار از فرایندهای عدالت را برای بزه دیدگان به‌ویژه اشخاص آسیب‌پذیر مثل سالمندان امکان‌پذیرتر نموده و امکانات و تسهیلات ویژه‌ای برای آنان در نظر بگیریم.

درماده چهارم اعلامیه «اصول اساسی در مورد عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» که به‌موجب قطعنامه شماره۴۰/۳۴ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده آمده است: با بزه دیدگان باید با همدردی و احترام به کرامت آنان رفتار شود. آن‌ها مستحق دسترسی به سازوکاری قضایی ونیز جبران خسارت‌های وارده به ایشان بر مبنای قوانین ملی هستند. منظور از رفتار کرامت مدار با بزه دیده سالمند، رعایت کرامت انسانی، رفتار توأم با احترام، گرامی داشتن و رعایتشان انسانی او هست. رعایت کرامت سالمند بزه دیده مستلزم شناسایی نیازهای او، حق دادخواهی، جبران آسیب‌های مادی و معنوی وارایه خدمات قضایی و غیر قضایی به او در فرایند عدالت کیفری است. این رفتار، اعتماد سالمند بزه دیده را تقویت می‌کند. او می‌داند در مواجهه با بزه دیدگی تنها نیست و جامعه از وی حمایت می‌کند. ترس از عدم‌حمایت و رفتار نامناسب در مراحل مختلف عدالت کیفری، از مواجهه با پلیس تا دادسرا و دادگاه، خود موجب ناملایمات و بزه دیدگی دیگری است که سالمند بزه دیده خود را در معرض آن احساس می‌کند. رفتار توأم با احترام، این حس را در بزه دیده سالمند تقویت می‌کند که نیازهایش شناسایی، خساراتش جبران و دوباره به جامعه بازمی‌گردد و دیگر در معرض بزه دیدگی قرار نخواهند گرفت. نتیجه دیگر، اعتماد سالمند بزه دیده به دستگاه عدالت کیفری است. دودیگر خود را بیگانه احساس نمی‌کند. در معرفی بزهکاران همکاری می‌کند، توصیه‌ها و مشاوره‌های کارکنان دستگاه عدالت کیفری اعم از پلیس، دادسرا و دادگاه را به صلاح خود تشخیص داده و احساس مثبتی راجع به جامعه پیدا می‌کند (۵).

یکی از عوامل التیام و بهبودی یا فائق آمدن بر تجربه ناخوشایند تحمل جرم توسط سالمند بزه دیده، آن است که وی فرصتی برای بیان ماجرا و سرگذشت خود، آن‌چنان‌که اتفاق افتاده است، داشته باشد. دلایل درمانی قابل‌توجهی در این خصوص وجود

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

دارد. برای بزه دیده سالمند مهم است که داستان تحمل جرم را به کسانی بگوید که عامل ارتکاب جرم آن بوده‌اند تا به آنان بفهماند که ارتکاب جرم چه تأثیری بر زندگی‌شان داشته است (۲). توجه به نگرانی‌ها و آلام بزه دیدگان سالمند، یکی از مسائل مهم و از حقوق و نیازهای انسانی و اخلاقی آنان محسوب می‌شود. سالمند بزه دیده باید حق داشته باشد تا نگرانی‌های خودزا در مراحل گوناگون فرایند جنایی، به‌ویژه درباره آثار جرم بر خود و زمانی که در منافع شخصی‌اش مؤثراست، بیان کند. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، نیازها، دغدغه‌ها و حقوق بزه دیدگان آن‌گونه که شایسته است، موردتوجه قرارگرفته است. نیاز فوری به فراهم کردن شیوه‌های جبران کارآمدتر سازوکارهای حمایتی برای سالمندان بزه دیده وجود دارد تا آنان را توانا سازد که به‌نظام عدالت دسترسی پیداکرده وبه گونه‌ای مؤثر در آن مشارکت کنند. لذا باید توجه داشت که نگرانی‌ها و آلام سالمندان بزه دیده فقط با ضمانت اجراهای کیفری قابل‌رفع نیست (۵). بیان دیدگاه‌ها نگرانی‌های بزه دیده سالمند، افزون بر این‌که نیاز روحی و روانی وی را تأمین می‌کند، برای اصلاح دیدگاه‌های دست‌اندرکاران عدالت، جامعه محلی و حتی بزهکاران نسبت به سالمندان بزه دیده نیز مفید است. بیان پیامدهای جرم می‌تواند در جهت اصلاح حالت بی‌تفاوتی عاطفی در بزهکار و تقویت احساس مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گو نمودن وی تاثیر گذار باشد. هم‌چنین لازمه هماهنگی اقدام‌ها و تصمیمات بعدی اعضای جامعه محلی، مقام‌های قضایی و دیگر تصمیم‌گیرندگان با نیازهای بزه دیدگان سالمند، اطلاعاتی است که از این طریق در اختیار آنان قرارمی گیرد. هم‌چنین گفتگو پیرامون پیامدهای واقعی و ملموس جرم بر سالمندان بزه دیده، موجب دستیابی به هدف کلی ارتقاء درک عمومی نسبت به پیامدهای بزه دیدگی ونیز شناسایی زمینه‌ها و علل و عوامل اجتماعی ارتکاب خواهد بود (۲).

در شماری از نظام‌های حقوقی که در آنجا بزه دیدگان حق تعقیب ندارند، می‌توان از رهگذر فرم اظهارات بزه دیده درباره تاثیر جرم بر خود یا فرم دیدگاه‌های بزه دیده اطلاعاتی را فراهم نمود. از این فرم‌ها در کانادا، نیوزیلند، امریکا و بخش‌هایی از استرالیا ایرلند استفاده می‌شود. این اطلاعات معمولاً قبل از صدور حکم در اختیار دادرس قرار می‌گیرد. فرم دیدگاه‌های بزه دیده فرصتی را برای سالمند بزه دیده نه‌تنها جهت توضیح تاثیر جرم بر خود، بلکه آنچه به نظر وی باید دراین‌باره انجام داد، فراهم می‌کند. در این‌گونه نظام‌های حقوقی، این نکته خاطرنشان شده که افزایش مجازات الزاماً به سود سالمندان بزه دیده نیست. فرم دیدگاه‌های بزه دیده فرصتی را به سالمندان جهت مشارکت مستقیم ارائه می‌دهد و اطلاعات فراهم‌شده برای دادگاه می‌تواند دررسیدن به راه‌حل عادلانه‌تر کمک کند وتا حد امکان خواسته‌های بزه دیدگان سالمند تأمین شود. نکته مهم دیگر تشخیص مرحله مناسب برای ارائه دیدگاه‌های بزه دیدگان است. بررسی‌هایی که در بسیاری از کشورها در این زمینه انجام‌شده، نشان می‌دهد که تصمیم‌های گرفته‌شده درباره آزادی متهم به قید کفالت یا وثیقه، تصمیم‌های مربوط به پیگرد ونیز جبران خسارت، از مراحلی است که برای ارائه دیدگاه‌های سالمندان بزه دیده مناسب دانسته شده‌اند. هم‌چنین برخی از کشورها مانند ایالات‌متحده آمریکا، این حق را به سالمند بزه دیده داده‌اند که از حکم مناسب برای متهم و آزادی او را از زندان برپایه آزادی مشروط آگاه شود تا بتواند دیدگاه‌ها و گفته‌های خود را در این زمینه در دادگاه مطرح و ارائه کند.

در نظام حقوقی ایران، به‌تناسب مبلغ تأمین صادرشده با خسارت‌های مورد درخواست بزه دیدگان و پرداخت یا قرار پرداخت ضرروزیان بزه دیده، به‌منزله یکی از شروط آزادی مشروط اشاره‌شده است.ب رای بسیاری از بزه دیدگان، تجربه بزه دیدگی رویداد دور از انتظاری است که زندگی آنان را مختل می‌نماید و بزه دیدگان ممکن است با از دست دادن آشکار تسلط خود از پا درآیند. ممکن است آنان نگران این مسئله نیز باشند که واکنش‌های فوری‌شان مانند ترس، خشم، وحشت یا احساسات دیگر، امری نامعقول است و ممکن است از انتقام به سبب گزارش دادن رویداد بترسند. ازآنجاکه پلیس اولین گروه از عدالت کیفری است که سالمند بزه دیده با آنان مواجه می‌شود، رفتار کرامت مدار پلیس و همدردی با بزه دیده در ایجاد آرامش و امنیت برای وی حائز اهمیت خاصی است. حمایت‌های عاطفی و روانی از بزه دیده سالمند، اهمیت فراوانی دارد. بزه دیده نیاز دارد به صحبت‌هایش گوش‌داده شود و فرصت صحبت کردن در مورد دردهایی که در اثر جرم برای وی ایجادشده را داشته باشد و احساساتش موردتوجه و تائید قرار گیرد. سرزنش سالمند بزه دیده، بر میزان نگرانی و ناراحتی او افزوده و آرامش را از او سلب می‌کند. بنابراین هرگز نباید سالمند بزه دیده فردی بی‌مبالات،

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

ترسو وضعیت خوانده شود. بلکه برعکس، باید با همدلی وابراز همدردی با او، موجبات تسکین و آرامش او را فراهم کرد. پلیس و سایر دستگاه‌های عدالت کیفری و حتی بستگان و دوستان و آشنایان باید درد و ناراحتی بزه دیده را درد و ناراحتی خود تلقی کرده و با او همراهی نمایند. سالمند بزه دیده نیازمند آن است که پلیس یا سایر دستگاه‌های عدالت کیفری ونیز خویشان دوستان، اورا در کنار خود نشانده وبامهربانی وعطوفت، به‌خوبی و باحوصله فراوان به اظهاراتش گوش فرا دهند. سالمند بزه دیده نیازمند آن است که احساس کند که تنها نیست و جامعه، پلیس، دستگاه قضایی و بستگان دوستان، همگی پشتیبان او بوده واز وی در برابر بزهکار وبزه دیدگی حمایت کرده وتلاش خواهند کرد آسیب‌ها و لطمه‌های ناشی از جرم را به حداقل ممکن کاهش بدهند (۵).

در فرآیند رسیدگی به پرونده چه در پلیس و چه در مراجع قضایی و یا در سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، اطلاعات و مشخصات زیادی از بزه دیده یا بستگانش وجود دارد که افشای آن‌ها ممکن است خطرهای جانی ومالی برای سالمند بزه دیده یا بستگانش داشته باشد یا این‌که به حیثیت و آبروی وی لطمه وارد کند. افشای اطلاعات و هویت سالمند بزه دیده ممکن است تعمدی باشد ویا این‌که در اثر سهل‌انگاری وبی مبالاتی دست‌اندرکاران وکسانی باشد که به پرونده و اطلاعات سالمند بزه دیده دسترسی دارند که در هردو صورت لازم است اقدام‌های نظارتی و کنترلی لازم از سوی مسئولان مربوط صورت گرفته واز افشای هویت و مشخصات سالمند بزه دیده و بستگانش جلوگیری شود. ماده ۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ناظر بر این حمایت بوده و مقرر می‌دارد: افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده، توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است. در این زمینه جز درمواردی که قانون معین کرده باشد ضابطان قضایی از آن منع شده‌اند. حفظ آبروی بزه دیده یا بستگانش به‌ویژه در جرائم علیه اخلاق وعفت اعم از بزه دیدگان خاص مثل سالمندان و سایرین از اهمیت بیش‌تری برخوردار است و هرگونه قصور وبی مبالاتی از سوی متصدیان ذی‌ربط که منجر به افشای مطالب پرونده و اتفاقات رخ‌داده در فرایند بزه دیدگی سالمند بشود، وضعیت نامساعد روحی و روانی وی و حتی بستگان ایشان را تشدید کرده و میزان آسیب‌های ناشی از جرم را افزایش می‌دهد. بی‌گمان افشای اطلاعات ممکن است منجر به اخلال در فرایند دادرسی از طریق تهدید سالمند بزه دیده گردد. به نظر می‌رسد یکی از تضمینات عدم افشای هویت بزه دیده، جرم انگاری افشای هویت بزه دیده است که تلاش متهم برای شناسایی هویت ونشانی آن‌ها به‌منظور اعمال فشار به بزه دیدگان، و بدین‌وسیله امنیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد. بنابراین، برنامه‌های حمایت از بزه دیدگان به‌منظور جلوگیری از تاثیر تهدید آن‌ها و امتناع از شکایت علیه مرتکب ضرورت دارد. اعلام‌جرم توسط بزه دیده باعث می‌شود عدالت کیفری بتواند با کمک شکایت بزه دیده اجرا گردد، در غیر این صورت، با سکوت بزه دیده، عدالت قضایی محقق نخواهد شد.

ناتوانی‌هاو خلأهای حمایتی

یکی از حقوق و نیازهای عینی و مادی بزه دیدگان سالمند در فرایند دادرسی کیفری، حق برخورداری از امنیت است. فرد سالمندی که براثر وقوع بزه، متضرر گردیده است و تحت‌فشار روانی ناشی از وقوع بزه است، باید شرایط برای وی فراهم شود که بتواند در کمال آرامش وجدای از هرگونه تهدیدی، به‌حق خودمبنی بر جبران خسارت برسد. تأمین امنیت لازم برای این فرد، هم در حوزه نظام قضایی وهم در حوزه نظام انتظامی اهمیت بسیاری دارد. علاوه بر تصویب قوانین لازم و مؤثر از جانب قانون‌گذار در این زمینه، سازمان‌های اجرایی مرتبط، باید تدابیری را اتخاذ نموده تا بزه دیدگان سالمند بتوانند از این امنیت بهره‌مند شود. تهدید بزه دیدگان و شهود از سوی بزهکاران، به‌منظور منصرف نمودن آن‌ها از گزارش جرم به پلیس و ادای شهادت، نظام کیفری را با معضل جدی مواجه نموده است. این پدیده به‌ویژه در مورد برخی جرائم مانند جرائم سازمان‌یافته وباندی و نسبت به برخی بزه دیدگان آسیب‌پذیر مانند سالمندان شیوع بیش‌تری یافته است. تهدید بزه دیدگان سالمند موضوع تازه‌ای نیست، ولی حمایت از ایشان در قبال این معضل امری است که تنها در دو دهه اخیر در سطح فراملی وملی به‌ویژه در غرب موردتوجه قرارگرفته است. متولیان سیاست جنایی در ابعاد تقنینی و قضایی با آگاهی به گستره و شیوع این پدیده و اختلالی که در اثر این پدیده متوجه نظام عدالت کیفری می‌گردد، بایستی به چاره‌اندیشی و پیش‌بینی تدابیر در زمینه

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

پیشگیری از وقوع آن و حمایت از بزه دیدگان در معرض تهدید بپردازند. در مقررات ایران، قانون اساسی به‌عنوان قانون مادر و مرجع به موضوع امنیت توجه ویژه دارد. مطابق این قانون حیثت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است. توجه به امنیت بزه دیدگان سالمند علاوه براین که حق بزه دیده است. لازمه جلوگیری از بزه دیدگی ثانوی و درمان پیامدهای بزه دیدگی او نیز هست. به همین منظور باید تدابیری برای کاهش نگرانی‌های بزه دیدگان، حفاظت از هویت وزندگی خصوصی آنان هنگام ضرورت، و به‌طورکلی، تضمین امنیتشان اندیشید (۲). تأمین امنیت شایسته از بزه دیدگان سالمند در موارد ذیل بایستی صورت پذیرد (۲۹).

تدبیر نیروی انتظامی و سیستم قضایی باید به‌گونه‌ای باشد که سالمند بزه دیده با متهم رویارو نشود، لیکن در صورت ضرورت رویارویی، می‌بایست از سالمندان بزه دیده مراقبت و نگهداری نمود تا از آسیب‌های احتمالی متهم در امان بمانند. مراحل گوناگون فرایند جنایی باید به‌گونه‌ای باشد که هراس سالمند بزه دیده را از تهدیدها و اقدام‌های تلافی جویانه متهم به پایین‌ترین سطوح برساند و با حفاظت از زندگی خصوصی وی، دراو احساس امنیت ایجاد کند. به همین منظور نام، آدرس، اقامتگاه، محل کار، شماره تلفن ودیگر مشخصات سالمند بزه دیده را نباید فاش کرد. در ماده ۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری قانون‌گذار، افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری را جز درمواردی که قانون معین نموده باشد، ممنوع کرده است. ممنوعیت مذکور در این ماده، جنبه حمایتی داشته و تخلف از آن مشمول ضمانت اجرای ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی به شرح مندرج در ماده ۶۳ خواهد بود. ناگفته نماند که چنین موردی، مصداق خاص از جرم عام افشای اسرار حرفه‌ای مقرره در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵بوده و لذا از موارد تعدد معنوی نیست (۳۰).

ضابطان قضایی علاوه بر برقراری ارتباط برای جلوگیری از ورود آسیب‌های احتمالی به بزه دیده سالمند، می‌بایست تدابیری را برای پیشگیری از تهدیدها یا فعالیت‌های تلافی جویانه متهم یا خانواده دوستان او به‌کارگیرند تا بزه دیده سالمند بتواند دور از هرگونه اقدام تهدیدآمیزی در مراجع انتظامی حضور یابد. در قوانین ایران، هرچند در خصوص تأمین امنیت بزه دیده و خانواده وی در فرایند دادرسی کیفری، مقرره خاصی به تصویب نرسیده است. لیکن به‌صورت عام در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، قانون‌گذار برای ایجاد امنیت افراد و پیشگیری از هرگونه تهدیدی، مقرر داشته است: هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این‌که به‌واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از ۲ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد.

خسارتی که با تهدید سالمند بزه دیده و شهود وی، متوجه وی و دستگاه عدالت کیفری می‌شود، با تهدید اشخاص عادی، قابل‌مقایسه نیست. زیرا درتهدید اشخاص عادی، فرد می‌تواند با مراجعه به دادگاه وطرح شکایت خود، خواستار محکومیت و مجازات تهدیدکننده شود، اما با تهدید بزه دیدگان سالمند، اصولاً امکان دستیابی دستگاه عدالت کیفری، به بزهکار، منتفی می‌شود که این امر، زمینه بی‌اعتمادی مردم به دستگاه قضایی و رواج انتقام خصوصی را فراهم خواهد کرد. خوشبختانه در پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم– تعزیرات) برابر ماده ۶۰ موضوع تهدید بزه دیده، شاهد یا مطلع به‌منظور عدم شکایت یا عدم ادای شهادت، اطلاع یا عدول از آن‌ها به‌طور اختصاصی جرم انگاری شده، ولی فعلاً این لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. جرم انگاری خاص در این زمینه، نوعی حمایت بایسته کیفری از بزه دیدگاه به‌ویژه سالمندان آسیب‌پذیر تلقی می‌شود. این امر در افزایش احساس اعتماد و همکاری سالمندان با ضابطان قضائی و دستگاه قضائی بسیار مؤثر خواهد بود. قانون‌گذار فرانسوی با ضروری دانستن این حمایت بایسته، تهدید یا ترساندن بزه دیده برای وادار کردن او به پس گرفتن شکایت را به شرح ماده ۵-۴۳۴ به‌مثابه جرم علیه عدالت قضایی، جرم انگاری نموده است (۳۱). برابر این ماده، هرگونه ارتکاب تهدید یا هر اعمال تهدیدآمیز دیگری نسبت به هرکس باهدف ارعاب بزه دیده جنایت یا جنحه، به‌منظور بازداشتن او از ارائه شکوائیه یا طرح دعوا، مستوجب ۳ سال حبس جنحه ای و چهل‌وپنج هزار یورو جزای نقدی است (۳۲).

رفتار فیزیکی این جرم، تهدید علیه بزه دیده به عدم گزارش یا شکایت یا استرداد شکایت هست. بنابراین، این جرم تنها از

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

طریق فعل قابل تحقق هست و به‌هیچ‌عنوان ترک فعل نمی‌تواند باعث تحقق آن شود. این حمایت بزه دیده مستقیم که جرم به‌طور مستقیم نسبت به وی واقع‌شده است یا بزه دیده غیرمستقیم که از بزه ددیده شدن دیگری آسیب‌دیده است را دربرمی گیرد. لذا درصورتی‌که شخصی، سالمندان را به‌عنوان اولیاء دم مقتول تهدید نماید تا شکایت نکنند، به قطع مشمول این حمایت بایسته کیفری خواهند شد. به جهت حمایت از امنیت و حقوق جامعه و آزادی‌های فردی، این جرم از جرائم مطلق دانسته شده که حتی نیازی به حصول نتیجه هم ندارد. از سوی دیگر، به خاطر حمایت بایسته از بزه دیدگان، قانون‌گذار فرانسه در ماده ۵-۴۳۴، در کنار تهدید صریح، تهدید ضمنی را هم با آوردن عبارت «عمل ارعاب انگیز»، مشمول این حمایت کرده است (۳۳). ناگفته نماند در نظام حقوقی کامن لا، شاهد به معنای هر فردی است که در جایگاه شهود قرارگرفته و مبادرت به دادن اطلاعاتی در خصوص جرم می‌نماید. بنابراین هنگامی‌که تهدید شهود مطرح می‌گردد به مفهوم تهدید بزه دیده، شاهد به معنای خاص و کارشناسانی که در جریان رسیدگی به پرونده مبادرت بر ارائه توضیحات کارشناسی می‌نماید، خواهد بود.

اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای هم در کنار حمایت و جبران خسارت از بزه دیدگان، به جهت جلوگیری از بزه دیده شدن شهود یا بزه دیده شدن مجدد قربانیان جرم اولیه، توصیه به حمایت کیفری از شهود وبزه دیدگان نموده‌اند. در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی ۲۰۰۰ (معروف به کنوانسیون پالرمو)، بزه دیدگان سالمند همانند سایر بزه دیدگان مشمول حمایت‌های جبران خسارات ناشی از جرم؛ تعقیب کیفری و مجازات مجرم و تأمین امنیت بزه دیده از تعرضات احتمالی مجرم یا همدستان یا نزدیکان وی شده‌اند. برابر ماده ۲۵ این کنوانسیون که به جرم انگاری تهدید علیه شهود پرداخته است؛ هرکشورعضو، قوانین و سایر اقدام‌های مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا موارد زیر درصورتی‌که به‌صورت عمدی صورت گیرد، جرم کیفری تلقی گردد. با توجه به این‌که این کنوانسیون در سال ۱۳۸۷ به تصویب دولت جمهوری اسلامی ایران رسیده است، لذا جرم انگاری تهدید شهود وبزه دیده و سایر اشخاص نزدیک به آن‌ها، یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران هست (۳۳).

علاوه بر معرفی شهود در هنگام تحقیقات، به‌عنوان یک حق شهروندی کلیه بزه دیدگان حق‌دارند از تحقیقات مقدماتی هم اطلاعات لازم را کسب نمایند. محروم نمودن سالمندان بزه دیده از کسب اطلاعات پرونده کیفری، باعث می‌شود که آن‌ها نتواند مقدمات دسترسی مناسب برای رسیدن به حقوق خود را فراهم نمایند. به‌عبارت‌دیگر، کسب اطلاع از پرونده، می‌تواند موجباتی برای دفاع از حقوق سالمند بزه دیده از قبیل انتخاب وکیل فراهم نماید. ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری ایران، حق اطلاع بزه دیده و دسترسی وی به اطلاعات پرونده را بدین شکل پیش‌بینی نموده است: شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی وادله اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، صورت‌مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند ویا به هزینه خود از آن‌ها تصویر یا رونوشت بگیرد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که بزه دیده، شهود و دلایل خود را به چه مرجعی معرفی و ارائه می‌نماید؟ و ارائه رونوشت صورت‌جلسه تحقیقات مقدماتی به شاکی، با مجوز چه مقامی است؟ در پاسخ باید قائل به تفکیک شد. درصورتی‌که مشهود بودن جرم، شاکی می‌تواند شهود خود را به ضابطان عام دادگستری معرفی ودلائل خود را به آنان ارائه نماید و مقام‌های مذکور، موظف‌اند نسبت به بررسی وثبت اظهارات شهود ودلایل شاکی اقدام نمایند. اما درصورتی‌که جرم غیرمشهود باشد و شاکی نیز به ضابطان دادگستری مراجعه نماید، آنان پس از اخذ دستور مقام قضایی، اقدامات مشابه را انجام می‌دهند. لیکن در هردو صورت، ارائه رونوشت از صورت‌جلسه تحقیقات مقدماتی، باید با مجوز مقام ذی‌صلاح قضایی صورت پذیرد. زیرا تشخیص منافات با ضرورت کشف حقیقت با مرجع قضایی است (۲۹).

از دیگر حمایت‌های بایسته از همه بزه دیدگاه به‌ویژه بزه دیدگان خاص، حق حضور در معاینات محلی است تا به جهت دفاع از حقوق خود، دلایل و اظهارات لازم را ابراز نمایند. قانون‌گذار ایران، در ماده ۱۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته است: معاینه محلی و تحقیق محلی توسط بازپرس و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می‌شود. هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند، اما عدم حضور آنان، مانع از انجام

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

معاینه نیست. ظاهر ماده بیانگر آن است که برای انجام معاینه محل، دعوت از اصحاب پرونده ضروری نیست و بازپرس از ایشان دعوت نمی‌کند (مگر در موارد ضروری)، اما اگر خودشان حاضر شوند، مقام قضائی یا ضابط دادگستری نمی‌تواند مانع از حضور ایشان شود. این ظهور با منطق حقوقی، سازگار نیست. چراکه این حق بایستی برای افراد ذی‌نفع ازجمله همه بزه دیدگان برقرار باشد و لازمه حضور در معاینه محلی هم این است که از زمان آن مطلع باشند. در غیر این صورت، استفاده از این حق موضوعا منتفی می‌شود. بنابراین جهت اجرای عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق افراد، مقام قضایی یا ضابطان دادگستری باید زمان معاینه را به کسانی که در امر کیفری دخیل هستند ازجمله بزه دیدگان، اطلاع دهند. بدین‌سان با دعوت از سالمند بزه دیده به معاینه محل، نه‌تنها در بررسی دلایل از راهنمایی‌های وی در تکمیل پرونده استفاده می‌شود، زمینه احقاق حقوق سالمندان بزه دیده هم فراهم می‌شود (۲۹).

درگذشته با جنبه عمومی بخشیدن به بسیاری از جرائم توسط دولت‌ها، رفته‌رفته ضمانت اجراهای کیفری جایگزین جبران خسارت از بزه دیدگان شدند. با ظهور عدالت ترمیمی و تحت تاثیر آموزه‌های آن، اندیشه لزوم جبران خسارت دولتی از بزه دیدگان هم توسط اندیشمندان متعددی مطرح و دنبال گردید و کشورهای مختلفی نیز از این اندیشه‌ها استقبال کرده وآن را به کار بستند. در سطح بین‌المللی هم این اندیشه در کنگره بین‌المللی حقوق کیفری ۱۹۷۴ و قطعنامه کمیته وزرای شورای اروپا مطرح شد تا سرانجام کنوانسیونی اختصاصی در سطح اروپا راجع به جبران خسارت قربانیان جرائم خشونت‌آمیز مطرح گردید (۲). افسران وماموران پلیس قضائی فرانسه برابر مواد ۱-۵۳ و ۷۵ قانون آئین دادرسی، مکلف شده‌اند از هر طریق ممکن بزه دیدگان را به شرح ذیل از حقوق خودآگاه کنند: درصورتی‌که دعوای عمومی توسط دادسرا به جریان افتاده باشد یا مرتکب جرم توسط دادگاه صالح، مستقیماً احضار شده باشد یا نزد بازپرس طرح شکایت شده باشد، او می‌تواند اقامه دعوای خصوصی کند. چنانچه به‌عنوان مدعی خصوصی وارد دعوا گردند، می‌توانند از معاضدت یک وکیل انتخابی توسط خود یا وکیل معاضدتی کانون وکلا بهره‌مند گردند. در کنار حق جبران خسارت وارده توسط بزهکار، بزه دیدگان می‌توانند از کمک‌های انجمن‌های دولتی یا انجمن‌های کمک به بزه دیدگان نیز بهره‌مند شوند و در صورت ارتکاب یکی از جرم‌های مذکور در مواد ۳-۷۰۶ و ۱۴- ۷۰۶، به کمیسیون جبران خسارات وارده به بزه دیدگان هم رجوع می‌کنند. هرچند در ایران از دیرباز مسئله جبران خسارت از بزه دیدگان پیش‌بینی‌شده است، ولی خلأهایی به‌ویژه در مرحله اجرا و عمل در این زمینه وجود دارد. امکان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم در ضمن دعوای عمومی (کیفری)، در مقررات ایران سابقه طولانی داشته و از زمان تصویب قانون اصول محاکمات جزائی ۱۲۹۰ هم چنان پایدار مانده است. قانون‌گذار در مواردی حتی دادستان را موظف نموده بود تا قبل از جلسه رسیدگی، بزه دیده را از این حق قانونی مطلع نماید. به‌موجب تبصره ۲ ماده ۶۶ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری مکلف‌اند بزه دیدگان جرائم مربوط به اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه آگاه سازند. ضمن این‌که برابر ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری، آگاهی متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط از حقوق خود و فراهم کردن سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق، جزء ضروریات بوده است. قانون‌گذار به‌منظور حمایت شایسته از بزه دیده هم به‌طور خاص در ماده ۳۸ همان قانون، ضابطان دادگستری را مکلف کرده است تا بزه دیده را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت های حقوقی آگاه سازند. در این میان، امکان بازداشت محکوم‌علیه به دلیل امتناع از پرداخت خسارات مورد حکم دادگاه، به تقاضای بزه دیده هم تضمینی کیفری برای انجام تعهدات از سوی بزهکار است. ازآنجاکه حکم به جبران خسارت ناشی از جرم معمولاً با حکم به مجازات بزهکار همراه است، اولویت بخشیدن به هریک از این دو می‌تواند رویکرد نظام قضایی را به این مسئله نشان دهد.

هرچند خشونت علیه سالمند یک معضل جدی اجتماعی است که در تمام گروه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه دیده می‌شود و بر کیفیت زندگی سالمندی تاثیر می‌گذارد، لیکن این خشونت و بزه دیدگی سالمندان به‌طورکلی اغلب مخفی مانده وتنها مقدار کمی از آن گزارش می‌شود و لذا بزهکاری علیه سالمندان از رقم سیاه بالایی برخوردار است.

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

ازجمله دلایل عدم گزارش بزه دیدگی ناشی از سوء رفتار با سالمندان را می‌توان به وابستگی‌های گوناگون جسمانی، مالی، مراقبتی، عاطفی و غیره آنان اشاره کرد. تجربه زندگی برای سالمند، نوعی احساس امنیت را به همراه می‌آورد، تا جایی که او چندان خود را در برابر خطر وقوع جرم بی‌دفاع و ضعیف احساس نمی‌کند و با توجه به گذشته زندگی خود احساس می‌کند که می‌تواند از خود مراقبت کند. لذا حمایت قبل از بزه دیدگی سالمندی، نیازمند اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و هم‌چنین حمایت‌های کیفری وفراکیفری برای این گروه از اقشار جامعه ضروری به نظرمی رسد و می‌طلبد قانون‌گذار قوانین ویژه و خاصی برای سالمندان وضع نماید. چراکه فقدان قوانین کارآمد و مناسب برای حمایت از سالمندان موجب می‌شود تا به‌راحتی حقوق سالمندان سلب شود.

مطالعه تغییرات ساختار سنی جمعیت ازآن‌جهت دارای اهمیت است که در اکثریت بودن هر یک از گروه‌های سنی، نوع و کم و کیف نیازهای جمعیت را تغییر می‌دهد و ازآنجایی‌که ایران یکی از کشورهای دارای بیش‌ترین سرعت رشد جمعیت سالمندی هست، سیاست‌گذاری‌های جنایی نیز می‌بایستی با این تغییرات هم سو باشد. ازاین‌رو، به جهت حمایت‌های کیفری ناقص از سالمندان بزه دیده و وجود ناتوانی‌ها و خلأهای حمایتی فراکیفری درباره این قشر آسیب‌پذیر، سیاست جنایی ایران می‌بایستی با تاثر از آموزه‌های عدالت ترمیمی و بزه دیده شناسی حمایتی، با اتخاذ سیاست مشارکتی حمایتی فراکیفری متحول شود.

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

- ***References***

1. Behrouzia M. Prevention of secondary victimization. Scientific and Practical Conference on Crime Prevention. Center for Social Studies & Criminology. Social Deputy & Crime Prevention of the Judiciary. Mashhad. 2010 March 3-4: 81-121. Available from: https://alborzpishgiri.eadl.ir/Portals/4/Books/Rahyaftha2.pdf
2. Behrouzieh M. New Approaches to Crime Prevention. Vol. 2. Tehran: Social Deputy & Crime Prevention; 2013.
3. Forough Ameri G, Govari F, Nazari T, Rashidi Nejad M, Afsharzadeh P. (2002), the Adult Age Theories & Definitions. Journal of HAYAT. 2002; 8 (1):4-13.
4. Haghighatiyan M, Hashemianfar A, Balvardi Z. The Experience of ageing & Role Identity Challenges of the Elderly: A Qualitative Research. Journal of Qualitative Research in Health Sciences. 2015; 4 (3):339-350.
5. Ghavam MA. Victims' Rights & Their Demands from the Police. Journal of Social Discipline. 2010; 2 (2): 61-103.
6. Ahadi F, Mohammad Panahi M. (2016), Feasibility of Operating Victimology Clinics in Sex Offenses. Scientific Journal of Research Approaches in the Social Sciences. 2016; 2 (7): 348-357.
7. Grossi S, Safi Zadeh H, Samdian F. The Study of Relationship between Social Support & Quality of Life among Elderly People in Kerman. Jundishapur Scientific Medical Journal. 2017; 11 (3): 303-315.
8. Abdolfattah E. (1997), Criminology & Victimology. [I. Rahimi Nejad, Trans]. Journal of Mofid Name. 1997; (18): 93-122.
9. Ghavam MA. The Role of Victims in Detecting Crimes & Police Protection from Them. Journal of Social Discipline. 2013; 5 (3): 111-144.
10. Jafarian Souteh H. From Oriented- Security Criminal Justice to Oriented-Dignity Criminal Justice (Causes, Solutions). Journal of Criminal Law Thoughts. 2015; 1 (1): 35-56.
11. Rayejiyan Asli M. Victimology (Victimology & Criminal Science Developments). Vol. 1. Tehran: Shahrdanesh Publications; 2011.
12. Mirzaei M, Shams Ghahfarokhi M. Demography of Elder Population in Iran over the Period 1956 To 2006. Salmand: Iranian Journal of Ageing. 2007; 2 (3):326-331.
13. Abbasi H. Elderly Victims; Aetiology & Explanation of Supportive Vacuums, Journal of Dadrasi. 2014; 18 (105): 43-48.
14. Gerar L, Jinnah P. Victim & Victimology. [R. Kord Alivand R, A. Mohammadi, Trans]. Tehran: Majd Publishing; 2000.
15. Najafi Abrandabadi AH. Criminology Course Overview (Victimology Topics). Ghanad F (Preparation & arrangement). Faculty of Law. Shahid Beheshti University; 1994.
16. 87% of Elderly Abuse in Iran [Internet]. 2010 [updated 2019 November 30; cited 2010 October 2]. Available from: https://www.fardanews.com
17. Honarvar B, Maleki Z, Ghabibi Z, Bahadori F. Structured Review of the Prevalence of Violence against the Elderly in Iran during 2011-2017. Eleventh Student Conference on Health Sciences in Iran; 2018. Available from: https://www.civilica.com/Printable-IHSC

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

18. Ghayomi Houshyar N. Pathology of the Elderly Abuse Phenomenon: Violence against the Elderly [Internet]. 2018 [updated 2019 November 30; cited 2018 December 2]. Available from: https://article.tebyan.net
19. Zandi F. An Introduction to Different Aspects of Aging Abuse. Legal Quarterly of Justice. 2005; (52-53): 325-352.
20. Jafari R. Third Degree of Domestic Violence Abuse [Internet]. [Updated 2019 November 30; cited 2019 June 16]. Available from: http://www.ion.ir/news
21. Molaei M, Etemad K, Taheri Tanjani P. Prevalence of Elder Abuse in Iran: A Systematic Review and Meta Analysis. Salmand: Iranian Journal of Ageing. 2017; 12 (2):242-253.
22. Griffiths E, Roberts G, Williams J. Elder Abuse and the Law "Investigating the Legal Aspects of Elder Abuse in the UK".[M. Sabouri Pour, Trans]. Legal Quarterly of Justice. 2005; (52-53): 375-398.
23. Zeher H. The Book of Restorative Justice. [H. Gholami, Trans]. Tehran: Majd Publishing; 2009.
24. Zakavi M. Criminal Support for Disabled Persons in International Documents & Domestic Law. First National Conference on the Philosophy of Law with an Emphasis on Islamic Philosophy of Law. Islamic Azad University. Ramhormoz Branch; 2012. Available from: https: //www.civilica. com / Paper-ISLAMICLAW0
25. Samavati Piroz A. The Study of Adult Age from the Viewpoint of an Interaction between Aging & Victimization with the Emphasis on a Survey in England. Medical Law Journal. 2009; 3 (9):89-112.
26. Haji Tabriz Firouzjaie H. Elder Abuse & Punishment in the Iranian Criminal Justice System in the light of United Nations Documents (Take a look of British Acts). Crime Prevention Studies Journal. 2011; 6 (20): 73-97.
27. Delmas Marty M. The Great Systems of Criminal Policy. [AH. Najafi Abrandabadi, Trans]. Tehran: Mizan Publishing; 2014.
28. Ghavam MA. The Role of Police in Protecting Victims & Reducing Criminal Injuries. Tehran: Kowsar Hadith Publication "Applied Police Prevention Investigations"; 2011.
29. Biranvand R. Officers Responsibility in Citizenship Rights. Qom: Gaza Publishing; 2009.
30. Khaleghi A. Notes in the Code of Criminal Procedure. Tehran: Shahrdanesh Publications; 2014.
31. Kousha J. Crimes against Judicial Justice. Tehran: Mizan Publications; 2002.
32. Goodarzi Boroujerdi MR, Moghadadi L. Introduction to the French Penal Code. Tehran: Khorsandi Publications; 2016.
33. Yekrangi M. Crimes against the Administration of Judicial Justice. Tehran: Khorsandi Publications; 2012.

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

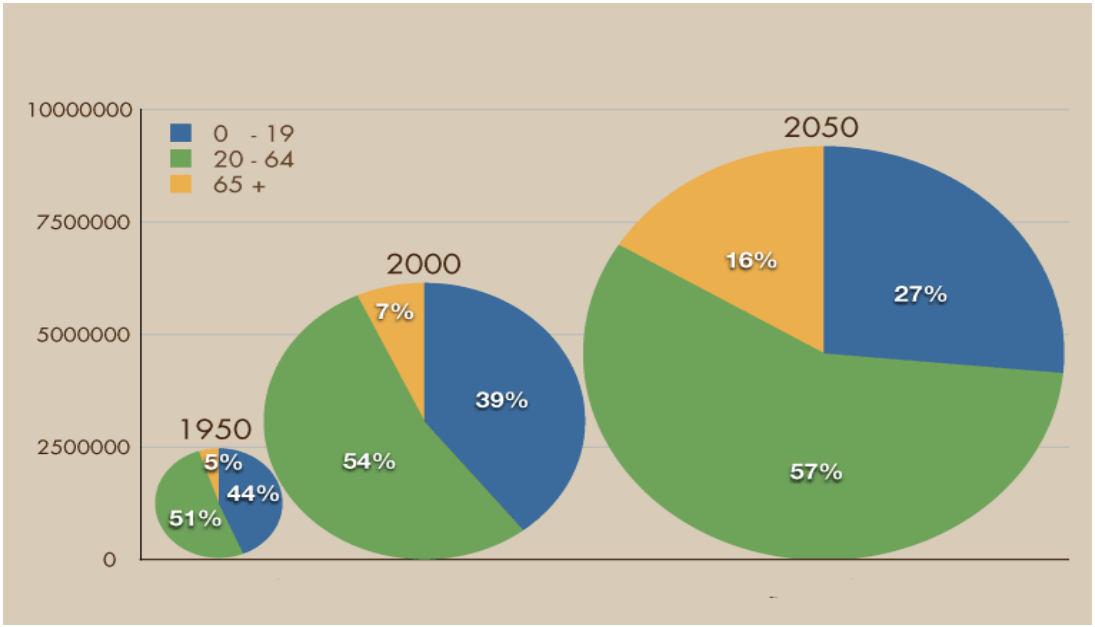

نگارهٔ ۱: رشد جمعیت سالمندی در جهان

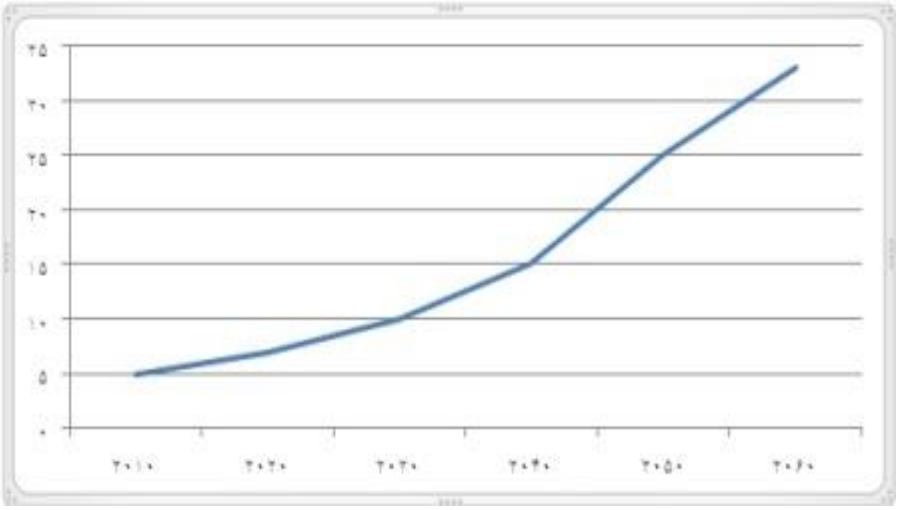

نگارهٔ ۲: رشد جمعیت سالمند در ایران

[Downloaded from jgn.medilam.ac.ir on 2026-11-23]